



حکمت نظری و عملی امروز در حوزه مهجور است

عضو مجمع عالی حکمت اسلامی گفت: حکمت نظری و عملی امروز در حوزه مهجور است و تا عقل را در جایگاه اصلی خودش نشانیم، حوزه متحول نخواهد شد.

عضو مجمع عالی حکمت اسلامی گفت: حکمت نظری و عملی امروز در حوزه مهجور است و تا عقل را در جایگاه اصلی خودش نشانیم، حوزه متحول نخواهد شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، هفته چهارم از درس‌ها و گفتارهای «طیف»؛ بندی حوزه علمیه در مواجهه با علوم انسانی؛ با موضوع علوم انسانی مبتنی بر حکمت الهی (تبیین نظریه علمی دینی علامه جوادی آملی) به همت مؤسسه آفاق حکمت و با سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین مرتضی جوادی آملی (فرزند آیت‌الله جوادی آملی) در قم برگزار شد.

حجت‌الاسلام و المسلمین مرتضی جوادی آملی در تبیین ضرورت پرداختن به علم دینی گفت: علم دینی اساس و بنیان علوم، اعم از تجربی و انسانی و ریاضی است. در حال حاضر علوم داریم، اما اگر این علوم در ساحت علم دینی شکل بگیرد همه اینها هویت دینی پیدا می‌کنند و در مقابل، لازمه انکار علم دینی این است که علوم ماهیتی غیردینی پیدا کنند، پس بحث از علم دینی، بحثی زیرساختی و اساسی است. وقتی علم، هویت دینی پیدا کرد چون اثرگذار است، مسائل دیگر مربوط به انسان از جمله آداب و رسوم و فرهنگ را دینی می‌کند و انسان دیگری می‌سازد و شئون انسان را الهی می‌کند. پس هرچه در مقوله علم دینی هزینه کنیم بقیه ساحت‌ها نیز رشد می‌کنند و الهی خواهند شد.

دینی بودن در هویت علم و اخلاق وجود دارد

وی در ادامه به توضیح قید «دینی»؛ برای «علم دینی»؛ پرداخت و این سؤال را مطرح کرد که آیا قید «دینی»؛ برای علم، قیدی جدای از مقید، یا وصفی جدای از موصوف است؟

عضو مجمع عالی حکمت اسلامی در پاسخ به سؤال مذکور اشاره کرد: حیثیت دینی درون علم دوانده شده است و قید «دینی»؛ معقول ثانی فلسفی است و محمول بالضمیمه نیست بلکه محمول من ضمیمه است. پس این که چیزی به نام علم داشته باشیم و بعد آن را متصف به صفت دینی کنیم و دینی را وصف عارضی بدانیم که هر وقت خواستیم کنار بگذاریم، اشتباه است! در حوزه اخلاق هم وصف «دینی»؛ وجود دارد. آیا مراد از «اخلاق دینی»؛ یعنی چیزی به نام اخلاق وجود دارد که با قید یا وصف «دینی»؛ این اخلاق دینی می‌شود؟! با این توصیف، دین بیرون از جوهر اخلاق و علم خواهد بود و حال اینکه دینی بودن در هویت علم و اخلاق وجود دارد.

رئیس مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی اسراء در تبیین فلسفی علم دینی گفت: علم دینی یعنی علمی که نحوه وجود او آمیخته با دین است، کما اینکه اخلاق دینی یعنی اخلاقی که نحوه وجود او آمیخته با دین است. نماز و روزه، عملی عبادی و بالذات مقرب است، اما وقتی نیت قربت را به آن اضافه کنیم صبغه الهی پیدا می‌کند و گوهر آن دینی می‌شود و در واقع قصد قربت به عمل ضمیمه نمی‌شود، بلکه در جان و حقیقت عمل می‌رود و هویت عمل را عوض می‌کند و طیبه می‌سازد. در این توصیف از علم دینی به همان میزان که «الصلوة قربان کل تقی»؛ یعنی به همان میزان که نماز مقرب است، آن علم هم مقرب است و می‌گوییم «العلم قربان کل تقی»؛ و همان علم، نهی از فحشی و منکر می‌کند.

فرزند آیت‌الله جوادی آملی در تبیین نظریه ایشان در مورد علم دینی گفت: آنچه در تمایز علوم، نقش تعیین‌کننده دارد موضوع است، نه غایت یا محمول یا نسبت؛ چراکه محمول، عرض ذاتی موضوع است و غایت متفرع بر مسائل و نسبت هم به دو طرف (موضوع و محمول) تکیه می‌کند. ولی موضوع است که مستقل و تعیین‌کننده علم است و هر علمی یک موضوع دارد و هیچ علمی اعم از اعتباری و حقیقی، بدون موضوع نیست با این تفاوت که موضوع حقیقی، علم حقیقی را ایجاد می‌کند و موضوع اعتباری، علم را اعتباری می‌سازد.

استاد سطوح عالی عرفان و فلسفه در ادامه، هستی را تجلی فعل و اراده تکوینی خداوند دانست و مطالعه و بررسی آن را مطالعه فعل الهی خواند و از این جهت علوم تجربی روشمند را جزو علوم دینی برشمرد و گفت: همچنان که ما در علم تفسیر یا فقه به دنبال بررسی قول خداوند هستیم و تحقیق در قول خدا را علم دینی می‌زنیم؛ واکاوی در طبیعت و جلوه‌ها و آیات الهی که دانشگاه متکفل آن است، واکاوی فعل خدا است و علم دینی است، البته به شرط اینکه طبیعت را خلقت الهی بدانیم. به همین دلیل آیت‌الله جوادی آملی معتقدند که علم غیردینی نداریم. شاید عالم غیر متدین داشته باشیم اما علم غیردینی نداریم، چون موضوع علم تجربی، فعل خدا است، پس دینی است.

فاصله‌ها؛ ای بین حوزه و دانشگاه وجود ندارد

استاد حوزه و دانشگاه در ادامه متذکر این نکته شد که؛ با این توصیف از موضوع علم و با این نگاه، فاصله‌ها؛ ای بین حوزه و دانشگاه وجود ندارد؛ چون موضوع یکی بررسی فعل خدا و موضوع دیگری بررسی قول خدا است. بسیاری از روش‌ها در علوم مشترک هستند و تمام علوم تجربی موجود، شأنیت این را دارند که علم دینی خوانده شوند.

عضو کمیسیون فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی در بخش دیگر سخنان به مهجور بودن عقل در حوزه اشاره کرد و گفت: ما باید دوباره در حوزه عقل را به میدان بیاوریم و در حال حاضر عقل مهجورترین حقیقتی است که در حوزه‌ها وجود دارد. به همین دلیل حکمت نظری و عملی امروز در حوزه مهجور است و تا عقل را در جایگاه اصلی خودش نشانیم، حوزه متحول نخواهد شد. عقل دستگاهی است که خدا در اختیار انسان قرار داده تا حق و باطل و زشت و زیبا را از هم متمایز کنیم.

وی در تبیین نسبت عقل و دین گفت: دین ساحت‌ها؛ ای ساحت‌ها؛ مختلف دارد و در هر یک از ساحت‌ها؛ ای ساحت‌ها؛ ما از اطوار مختلف عقل بهره می‌گیریم. در ساحت عقاید، عقل تجربی و فلسفی به کار می‌آید و در مقابل عقل تجربی و نیمه تجربی به کار نمی‌آید. در ساحت اخلاق، عقل عملی نقش دارد و در فقه و احکام، عقل فطری است که نقش اصلی را در استنباط احکام ایفا می‌کند البته برخی آموزه‌ها؛ ای ساحت‌ها؛ دینی ما با عقل فطری و غیرتجربیدی قابل بررسی نیست و ما در تبیین آنها نیاز به عقل تجربی و فلسفی داریم.

استاد فلسفه حوزه علمیه قم در ادامه، متعرض بخشی از نظریه مکتب تفکیک شد و گفت: اینکه تفکیکی‌ها؛ ای ساحت‌ها؛ معتقدند عقل نظری نباید در ساحت بایدها و نبایدها مورد استفاده قرار گیرد، مسئله‌ها؛ ای ساحت‌ها؛ است که تمام فقها و حکما آن را می‌پذیرند و عملاً به آن پایبند هستند، پس نقد مکتب تفکیک در این مورد وارد نیست و هیچ فقیه و حکیمی در تبیین احکام فقهی قاعده‌ها؛ ای ساحت‌ها؛ فلسفی الواحد را به کار نمی‌گیرد و جایگاه‌ها؛ ای ساحت‌ها؛ عقل را خلط نمی‌کند. فرزند علامه جوادی آملی، هنر آیت‌الله جوادی آملی را تفکیک و تبیین بین انواع عقل‌ها؛ ای ساحت‌ها؛ دانست.

تفاوت بین عقل و وحی چیست؟

در ابتدای جلسه دوم درس گفتار، حجت الاسلام و المسلمین مرتضی جوادی آملی به تفاوت بین عقل و وحی پرداخت و عقل را حقیقتی بشری و در اختیار بشر دانست که چون بشری است، خطاپذیر است. برخلاف عقل، وحی منشأ الهی و قدسی دارد که خطا و سهو و نسیان در آن راه ندارد. وی گفت: علما از پس پرده مفهوم با حقایق آشنا هستند و اولیا و انبیا با خود حقیقت در ارتباط هستند و ما باید بین این دو سطح از معرفت تفکیک قائل شویم، در واقع، علما با فهم از دین مواجه هستند و انبیا و اولیا با خود دین مواجه هستند.

وی در تبیین جایگاه عقل و علم دینی گفت: عقل خالی از هوا اگر حکمی بدهد این حکم خارج از دین نیست بلکه مثل حدیث زراره بر ما حجت است. وقتی می‌گوییم فیزیک و شیمی اسلامی منظور این نیست که فیزیک و شیمی را از آیات و روایات استخراج کنیم، بلکه اگر عقل روش‌ها؛ ای ساحت‌ها؛ مندانه، دانش فیزیک را تولید کند و آن را در ارتباط با خدا بداند آن فیزیک و شیمی علم دینی خواهد بود.

پسر آیت‌الله جوادی آملی در نسبت علوم انسانی و علم دینی گفت: بخشی از علوم انسانی که به بررسی قول یا فعل خدا می‌پردازد دینی است اما بخشی از علوم انسانی که به بررسی فعل انسان می‌پردازد، غیردینی است. مثلاً انواع هنر و معماری، فعل انسان است و نمی‌زنیم؛ ای ساحت‌ها؛ بتواند موضوع علم دینی باشد مگر اینکه هنر از آموزه‌ها؛ ای ساحت‌ها؛ دینی الهام بگیرد که در این صورت هنر دینی و اسلامی خواهد بود.

حجت‌الاسلام و المسلمین مرتضی جوادى آملی در ادامه به نقد وضع موجود علم پرداخت و گفت: بخشی از علوم انسانی که محصول بعد از رنسانس است غیردینی است. در رنسانس، جریان تلخی برای دین و فلسفه اتفاق افتاد، به دلیل اینکه دین‌داران قلمرو دین را نفهمیدند و حصری ایجاد کردند که همه چیز را از دین بگیرند و منطقه‌الفراغ برای دین قایل نشدند. در حالی که اگر دین به حد خود اکتفا نکند و افراط نکند دچار خودshy و زنی می‌شود. امروز علوم تجربی دچار همان افراط شده است و این افراط در علم تجربی و حس‌گرایی، رنسانسی در پی خواهد داشت. اینکه تمام معارف غیرتجربی را کنار بگذاریم، افراط در علم و طغیان علم است.

جلسه با پرسش و پاسخ حضار به پایان رسید.